نگرشی بر فهم تاریخی

قرآن



نویسنده: دکتر مجید معارف

بسم الله الرحمن الرحیم

نگرشی بر فهم تاریخی قرآن

نویسنده:

مجید معارف

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگرشی بر فهم تاریخی قرآن

مشخصات کتاب

نام کتاب: نگرشی بر فهم تاریخی قرآن

نویسنده: دکتر مجید معارف

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص: ۷

مقدّمه

تفسیر قرآن از دیرینه‌ترین علوم اسلامی است که از آغاز نزول قرآن مورد توجه مسلمانان بوده است. دلیل این توجّه طبیعت اجمالی قرآن از یک طرف و نیاز به تبیین و توضیح مجملات قرآنی از سوی دیگر است.

بنا بر شواهد قطعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخستین مفسّر است که به توضیح قرآن برای مسلمانان اقدام فرمود و پس از وی اهل بیت آن حضرت عهده‌دار این کار شدند؛ هر چند- به شرحی که‌خواهدآمد- پس‌از وفات‌رسول‌گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن و فهم و درک آن از مسیر اصلی خود خارج شد و انحرافاتی در این خصوص به وجود آمد. این نوشتار در صدد است تا به اختصار گزارشی از واقعیتهای تاریخی مربوط به فهم قرآن و راه و رسم پی بردن به مفاهیم بلند کتاب الهی را در اختیار خوانندگان خود قرار دهد.

ص: ۸

ص: ۹

آموزش قرآن در عصر پیامبر خدا (ص)

آموزش قرآن در عصر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

به طوری که گفتیم قرآن کریم در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله سرگذشت‌های تاریخی، حوادث عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مهمتر از این دو آیات‌الاحکام به اجمال نازل شده است. در این مورد از همان عصر نزول، سؤالاتی برای مسلمانان به وجود می‌آمد که با مراجعه به رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ آنها روشن می‌گشت. از طرف دیگر مهمترین وسیله رسول خدا صلی الله علیه و آله در اثبات حقانیت خود و نیز هدایت و راهنمایی مردم، همان قرآن بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چه در مکه و چه در مدینه از آن بهره‌برداری کردند. از قرائن تاریخی بر می‌آید که آن حضرت در استفاده از قرآن- با توجه به مخاطبان خود- از دو شیوه به شرح زیر استفاده کرده‌اند:

ص: ۱۰

۱- إسماع قرآن کریم

اسماع در لغت به معنای شنواندن است. مراد از إسماع قرآن، شنواندن آن به گوش مردم است که معمولًا در مکه و نسبت به مشرکان صورت می‌پذیرفت. در آن سال‌ها رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در مسجدالحرام می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت (۱) ۱ و در مواقعی از طریق خوانـدن قرآن در نمازهای خود، آیات الهی را به گوش رهگذران می‌رساند و به انذار آنها می‌پرداخت چنان‌که در سوره انعام آمده است: «وَأُوحِیَ إِلَیَّ هـذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ»؛ (۲) ۲ یعنی: « (بگو) این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و هر که را (که پیام آن) به او برسد بیم دهم ...» واضح است که در این موارد آیات قرآن بدون هیچ توضیحی به گوش مردم می‌رسید و اشکالی هم در انجام مأموریت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله- که همان ابلاغ کلام وحی بود- به وجود نمی‌آورد. زیرا آیات و سوره‌های مکّیه بر محور عقاید- از جمله مبدأ و معاد- دور می‌زد و به دلیل تکرار فراوان این

۱- . چنانکه قرآن کریم در سوره جمعه آیه دوم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِیبَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ ...» یعنی: او خدایی است که در بین مردمی درس ناخوانده پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها می‌خواند و پاکشان می‌ساخت و ...»، لذا نخستین مرحله از کار رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاوت آیات الهی بر مردم و رساندن قرآن به گوش آنها بود.

۲- . سوره انعام، سوره آیه ۱۹

ص: ۱۱

مضـامین در آن سوره‌هـا درک آنها آسان بود و از این گذشـته مخاطبان این آیات، قوم عرب و آشـنای به زبان قرآن بودنـد و برای فهم آن آیـات و به ویژه اخطارها و انـذارهای قرآن مشـکلی احساس نمی‌کردنـد. به عنوان مثال در کتب تاریخی و نیز تفاسـیر قرآن آمده است (۱) ۳ که: در نوبتی ولید بن مغیره که از سـران مشرکان در مکه بود برای استماع قرآن به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شـد، در آن هنگام رسول خدا صـلی الله علیه و آله به تلاوت سوره مؤمن یا غافر مشـغول بود، ولید به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و بـدون مراجعه به سـوی قـوم خـود، به خـانه خـود مراجعت نمـود، به طـوری که دوسـتان او تصور کردنـد که وی به اسـلام گرائیده است. اما او پس از مدتی بررسـی و ارزیابی ادعا کرد که قرآن کلام بشـر است لکن جنبه‌ای سحرآمیز دارد و این جریان در اوائل سوره مـدّثّر نقل شده است. (۲) ۴ عده‌زیادی از مشـرکان‌پس از شـنیدن آیات قرآنی تحت تأثیر قرار گرفتند و اسـلام را پذیرا شدنـد که از جمله آنان می‌توان از جُبَیْرِبْنِ مُطْعَم، طُفَیْلِ بْنِ عَمْروالدّوسـی و عمربن خطّاب (۳) ۵ نام برد. لذا سـران قریش که از این موضوع بیمناک

۱- . از جمله بنگرید به السیرة النبویه ۱/ ۲۸۹، الاتقان ۴/ ۵، تفسیرمجمع البیان ۱۰/ ۵۸۴، تفسیر المیزان ۲۰/ ۹۲.

۲- . سوره مدّثر، آیات ۱۱ الی ۲۵

۳- . تاریخ‌قرآن؛ دکتر محمود رامیا ۲۱۴-/ ۲۱۹ تحت عنوان: تأثیر قرآن.

ص: ۱۲

شده بودند، پس از مدتی استماع قرآن را تحریم کردند (۱) ۶ و حتی مانع نماز خواندن رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجدالحرام و یا اسماع قرآن توسط او شدند. و آیه: «أَ رَأَیْتَ الَّذِی یَنْهی عَبْداً إِذا صَلَّی» که در مذمّت ابوجهل نازل شده است (۲) ۷، ناظر به همان ایجاد مزاحمت قریش در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله است. لکن از آنجا که اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله در اسماع قرآن، اقدامی موفق و موثّر بود، خدای تبارک و تعالی در آیات بسیاری- از جمله آیات پایانی سوره علق (۳) ۸- حضرتش را به استقامت در مقابل مشرکان و ادامه کار توصیه فرمود.

۲- إقراء قرآن

اقراء در اصطلاح علوم قرآنی به معنای آموزش قرائت قرآن و نیز تحویل گرفتن قرائت شاگرد و کوشش در اصلاح قرائت اوست. (۴) ۹ به این جهت به استاد و معلّم قرآن

۱- . در سوره فصلت آیه ۲۶ آمده است: «وَ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لا تَسْمَعُوالِهذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِیهِ لَعَلَّکُمْ تَغْلِبُونَ» یعنی: و کسانی که کافر شدند گفتند: به این قرآن گوش فرا دهید و (هنگام قرائت وی) سخن یاوه در آن افکنید (هیاهو و جنجال کنید) تا شاید پیروز شوید.

۲- «سوره علق، آیات ۹- ۱۰» بنگرید به تفسیر مجمع البیان ۱۰/ ۷۸۲، تفسیرالمیزان ۲۰/ ۳۲۷ و ۳۲۹.

۳- . در آنجا که می‌فرماید: «کَلَّا لا تُطِعْهُ وَ ...» یعنی: چنین از او (ابوجهل) اطاعت مکن و ....

۴- . تفسیر مجمع البیان ۱۰/ ۷۱۹.

ص: ۱۳

مُقْری گفته می‌شود و این تعبیر با اصطلاح قاری تفاوت دارد. شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقابل مؤمنان اقراء قرآن بود که طبعاً با اسماع قرآن تفاوت دارد. اما از آنجا که مخاطبان رسول خدا صلی الله علیه و آله عرب زبان بودند و در یادگیری عبارات قرآن مشکل چندانی نداشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسیر اقراء قرآن حقایقی از مفاهیم قرآن را نیز به آنان منتقل می‌ساخت، ضرورت این کار از آنجا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به دایره مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند امّا آیات قرآنی فاقد جزئیات احکام و مقرّرات دینی بود.

از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله گاه با توضیحات خود و گاه نیز به شکل عملی مؤمنان را در جریان جزئیات احکام و شرایع دینی قرار می‌داد. و به تدریج با تفسیر بسیاری از آیات قرآن آشنا می‌فرمود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مکّه از محدودیت فراوانی در آموزش قرآن به مؤمنان برخوردار بود و غالباً کار آن حضرت در مراکزی سرّی و به دور از چشم مشرکان صورت می‌پذیرفت که یکی از این مراکز خانه ارقم بن ابی ارقم واقع در کوه صفا بوده است. (۱) ۱۰ اما پس از هجرت

۱- . القرآن الکریم و روایات المدرستین ۱/ ۱۳۳.

ص: ۱۴

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به مـدینه، مسـجد پیـامبر مرکز تعلیم و تعلّم قرآن قرار گرفت و علاـوه بر آن حضـرت- که در رأس معلّمـان قرآن قرار داشت- عـدّه‌ای از اصـحاب پیامبر صـلی الله علیه و آله از جمله عبادهٔبن صامت، عبـداللّٰه‌بن مسـعود، مُعاذبن جبل، ابی‌بن کعب انصاری در کار آموزش قرآن به نو مسلمانان وارد شدند.

عبادهٔبن صامت گویـد: «وقتی یکی از مهاجران به مـدینه وارد می‌شـد، پیامبر او را به یکی از ما (معلّمان قرآن) می‌سپرد تا قرآن را به او بیـاموزد. از این رو همواره در مسـجد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله صـدای مردم به تلاـوت قرآن بر پـا بود. و در نوبتی رسول گرامی صلی الله علیه و آله توصیه کرد که قاریان آرامتر به تلاوت قرآن بپردازند تا صداها در یکدیگر تداخل نکنند». (۱) ۱۱ مطلب مهم در نحوه آموزش قرآن در این دوره، همان انتقال مفاهیم قرآنی به شاگرد و متعلّم بود. گویا رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در این جهت برنامه مشخّصی داشته است.

زیرا یکی از اساتید قرائت در عصـر تابعین- یعنی ابوعبدالرحمن سُلَمی- می‌گوید: «معلّمان ما یعنی عثمان، ابن مسعود و ابیّ‌بن کعب به ما خاطر نشان ساختند که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را به صورت ده آیه ده آیه به اصحاب خود تعلیم می‌فرمود. و اصحاب از هیچ ده آیه‌ای

۱- . مناهل العرفان ۱/ ۲۳۴.

ص: ۱۵

نمی‌گذشتند تا آنکه مسائل علمی و احکام عملی آن آیات را یاد بگیرند. به این ترتیب ما (صحابه) همه قرآن و احکام عملی آن را فرا گرفتیم». (۱) ۱۲ ازا ین سخن معلوم می‌شود که اقراء قرآن در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله به معنای آموزش عبارات و مفاهیم قرآن به صورت توأمان بود و در سایه نظارت رسول خدا صلی الله علیه و آله عدّه‌ای از صحابه به درجات بالایی از نظر درک فقهی یا دانش تفسیر نائل شدند به طوری که همین عدّه توانستند به عنوان معلّمان قرآن و مبلّغان دینی به نواحی مختلف گسیل شوند.

نظام امتیازی یا امتیازدهی با قرآن

(۲) ۱۳ نظام امتیازی یا امتیازدهی با قرآن

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه، نظام ویژه‌ای ابداع فرمود که به «نظام امتیازی با قرآن» معروف است. پیامبر گرامی با فرمودن:

«افْضَلُ الْعِبادَةِ قِراءَةُ الْقُرْآن» (۳) ۱۴

- یعنی: بالاترین عبادت قرائت قرآن است- مسلمانان را به فراگیری هر چه بیشتر قرآن تشویق

۱- . تفسیر ابن کثیر ۱/ ۴، اضافه می‌شود که در متن برخی از این‌روایات آمده است که: «انَّ رَسولَ‌اللَّهِ‌کانَ یُقرِئهم العشر ...» لذا واژه «اقراء» به مفهوم تعلیم همه جانبه قرآن است، بنگرید به القرآن الکریم و روایات المدرستین ۱/ ۱۵۷.

۲- . تعبیر از علامه سید مرتضی عسکری است با عنوان: «نظام‌المفاضلهٔ بالقرآن» بنگرید به القرآن الکریم و روایات المدرستین ۱/ ۱۶۵

۳- . تفسیر مجمع البیان ۱/ ۸۴.

ص: ۱۶

فرمود. و بـا توجّه به آنکه فراگیری قرآن در آن دوره از فهم قرآن و تـدبّر در آیـات آن جـدا نبود، ارزش و معنای حـدیث فوق بهتر دانسته می‌شود.

علاوه بر آن رسول خدا صـلی الله علیه و آله با فرمودن: «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد گرفته و به دیگران بیاموزد». (۱) ۱۵ عملًا همه مسـلمانان را در مسیر آمـوختن قرآن و یـا آمـوزش آن به دیگران قرار داد. آن حضـرت تقـدّم حافـظ و قـاری قرآن را بر دیگران خصوصاً در احراز امـامت جمـاعت مورد تصـریح قرار داد و به عنوان یـک اصل خطاب به مؤمنان فرمود: «یَؤُمُّکم أَقرَؤُکُمْ». (۲) ۱۶ یعنی: بـه هنگـام نمـاز آن کس از شــما امـام جمـاعت شـود کـه دانش قرآنی بیشـتری دارد. علاـوه بر آن در مــدیریت‌ها و مسؤولیت‌های اجتماعی، آگاهی به قرآن و تسـلّط افراد را در این زمینه، ملاک انتخاب آنان به مناصبی چون امارت و فرماندهی قرار داد. در این باره در تفسیر ابن کثیر آمده است:

«روزی رسول خدا صـلی الله علیه و آله گروهی را عازم مأموریتی ساخت. قبل از روانه شدن این عدّه رسول خدا صلی الله علیه و آله از تک تک افراد سؤال کرد که چه میزان از قرآن در خاطر دارند.

در این میـان به جـوانی برخـورد نمود که از کم سن و سـالترین آن گروه بود. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله از وی پرسـید که چه میزان از

۱- . صحیح بخاری ۶/ ۵۹۴، سنن ترمذی ۵/ ۱۵۹، بحارالانوار ۸۹/ ۱۸۶.

۲- . سنن ابوداود ۱/ ۱۵۹ و ۱۶۰.

ص: ۱۷

قرآن را در خاطر دارد. او در پاسخ گفت که فلان سوره و نیز سوره بقره را در خاطر دارد. رسول گرامی صلی الله علیه و آله با تعجب سؤال کرد آیا سوره بقره را در خاطر داری؟! وی گفت:

آری. در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو با این گروه برو که امیر و فرمانده ایشانی». (۱) ۱۷ به همین ترتیب رسول گرامی صلی الله علیه و آله نه تنها منزلت حافظ و قاری را در دنیا مورد تأکید قرار داد، که درباره منزلت معنوی آنان در قیامت نیز سخنان مهمی ایراد فرمود. از جمله این سخن معروف است که: «در روز قیامت به حافظ و قاری قرآن گفته می‌شود که: قرآن را بخوان و از خداوند درجه بگیر. زیرا مقام تو در بهشت معادل آخرین آیه‌ای است که در خاطر داشته و تلاوت می‌کنی». (۲) ۱۸

شیوه تفسیرگویی در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

شیوه تفسیرگویی در عصر رسول خدا (ص)

در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیرگویی بسیار ساده بود و اثری از بحث‌های لغوی، قرائی، ادبی و ... که به تدریج به تفاسیر راه یافت، در کار نبود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در کوتاهترین عبارات حقایق قرآن را توضیح می‌داد و در مواردی با گفتن یک کلمه تفسیر آیه‌ای را روشن می‌ساخت. در عین حال آثار به جای مانده از آن دوره نشان دهنده تنوّع

۱- . تفسیر ابن کثیر ۱/ ۳۷.

۲- . تفسیر مجمع البیان ۱/ ۸۵، سنن ترمذی ۵/ ۱۶۳.

ص: ۱۸

خاصّی در روش تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله است که در اینجا به برخی از آن موارد اشاره می گردد:

۱- بیان مصادیق آیات در عمل

در مواردی آن حضرت با عمل خود مصادیق آیات قرآن را نشان داده و اصحاب را با حقیقت آن آشنا می‌ساخت. این موضوع به خصوص در زمینه آیات احکام و آیات اجتماعی قرآن شواهد متعدّدی دارد که از هر کدام به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود:

الف- رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب نماز به اصحاب خود فرمود:

«صَلُّوا کَمَا رَأَیْتُمُونِی أُصَلِّی». (۱) ۱۹

یعنی: به همان گونه که نماز خواندن مرا مشاهده می کنید، نماز بخوانید. روشن است که شیوه نمازگزاری پیامبر صلی الله علیه و آله به یک معنا تفسیر «أَقِیمُوا الصَّلَاهَ» بود که به عنوان سنّتی واجب مورد قبول همه مسلمانان قرار گرفت. و این مطلب در مورد احکام دیگر، از جمله: زکات، روزه و حج نیز قابل تسرّی است.

ب- در جریان منازعه رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران در آیه مباهله نازل گردید که در آن می‌فرماید: «هر گاه بعد از علم و دانشی که به تو رسید باز کسانی با تو به بحث و ستیز برخیزند به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم،

۱- . صحیح بخاری ۱/ ۱۱۷.

ص: ۱۹

شما هم فرزندان خود را، ما زنان خود را فرا خوانیم، شما هم زنان خویش را، ما از نفوس خویش دعوت کنیم، شما هم نفوس خود را، آنگاه مباهله می‌کنیم (یعنی با دعا و نفرین، بر ضد یکدیگر اقدام می‌کنیم) و در این مباهله لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم». (۱) ۲۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله در اجرای این آیه، همراه با علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام پا به محل مباهله گذاشت (۲) ۲۱ و با این کار خود به همگان فهماند که در آیه مباهله حسن و حسین علیهما السلام مصداق «ابناءنا»، فاطمه زهرا علیها السلام مصداق «نساءنا» و علی علیه السلام مصداق «انفسنا» می‌باشند. چنان‌که در جریان نزول آیه تطهیر نیز حضرت به همین شیوه عمل فرمود.

۲- توضیحات شفاهی در تبیین آیات

در بسیاری از موارد رسول خدا صلی الله علیه و آله با توضیحات خود، حقایق قرآن را در اختیار اصحاب خود قرار می‌داد. در این مورد روایات معتبری در کتب شیعه و سنی وجود دارد که نمونه‌هایی از آن نقل می‌شود:

الف- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در تفسیر: «غَیْرِ

۱- . آل عمران/ ۶۲.

۲- . تفسیر ابن کثیر ۱/ ۳۷۹.

ص: ۲۰

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» فرمود: مراد از «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» یهود و مراد از «الضَّالِّينَ» نصاری هستند. (۱) ۲۲ ب- حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در آیه: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً» (۲) ۲۳ فرمود: وسطاً یعنی عدلًا (۳) ۲۴ و منظور آن است که خداوند شما را امّتی معتدل و میانه قرار داد.

ج- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...» (۴) ۲۵ نازل گردید، رسول خدا صلی الله علیه و آله در توضیح آن فرمود: «هر مؤمنی که من سرپرست و مولای اویم علی علیه السلام مولا و سرپرست اوست».

و نیز آن حضرت فرمود: «به شما مؤمنان سفارش می‌کنم که از کتاب خدا و خاندان من جدا مشوید؛ که من از خدا درخواست کردم تا میان قرآن و خاندانم جدایی میفکند تا در قیامت که بر من ملحق می‌شوند». (۵) ۲۶ د- سیوطی در روایتی نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (۶) ۲۷ فرمود: در این آیه خداوند می‌فرماید:

«فَاذْكُرونی يَا مَعْشَرَ العِبادِ بِطَاعَتِي

۱- . الاتقان ۴/ ۲۴۵.

۲- . بقره: ۱۴۳

۳- . الاتقان ۴/ ۲۴۶.

۴- . نساء: ۵۹

۵- . الکافی ۱/ ۲۸۷.

۶- . بقره: ۱۵۲

ص: ۲۱

أَذْكُركُم بِمَغفِرتی» (۱) ۲۸؛

یعنی: «ای بندگان من با فرمانبرداری خود مرا یاد کنید تا با آمرزش خویش شما را یاد کنم.»

۳. پاسخ به سؤالات قرآنی صحابه

در مواردی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سؤالات قرآنی صحابه پاسخ داده، ابهامات آنان را برطرف می‌ساخت. به عنوان مثال در تفاسیر شیعه و سنّی آمده است که چون آیه:

«آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، ایمنی تنها از آنِ آنهاست و آنها هدایت یافتگانند» (۲) ۲۹ نازل گردید، برخی از صحابه به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند:

کدامیک از ماست که به نفس خود ظلم و ستم نکرده است؟! امّا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در این آیه مراد از ظلم و ستم شرک است. آیا نشنیده‌اید که بنده صالح خدا (لقمان) گفت که: «إِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظِیمٌ» (۳) ۳۰ یعنی: همانا شرک ستم بزرگی است. (۴) ۳۱ و نیز در آیه: «وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ

۱- . الاتقان ۱/ ۲۴۷.

۲- . انعام/ ۸۲.

۳- . لقمان/ ۱۳

۴- . تفسیر مجمع البیان ۳/ ۵۰۶.

ص: ۲۲

إِلَيْهِ سَبِيلًا ...» ۳۲- (۱) یعنی: و برای خدا بر (گردن) مردم است که آهنگ خانه (خدا) کنند و در حدّ امکان راهی به این خانه باز کنند- شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد: مراد از راه سبیل در آیه چیست؟ و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الزّادُ والرّاحِلَةُ». (۲) ۳۳

یعنی سبیل عبارت از داشتن توشه و مرکب سواری است.

و به همین ترتیب است سؤالات دیگر و پاسخ‌های آن حضرت که در کتب تفسیر روایی درج شده است. این شیوه در طول دوران رسالت ادامه یافت. و برخی از دانشمندان معتقدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا نرفت مگر آنکه تمام قرآن را برای اصحاب خود تبیین فرمود. (۳) ۳۴ و نکته مهم آنکه بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله موفّق شدند که علاوه بر ثبت آیات قرآن، توضیحات تفسیری رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز در حاشیه مصاحف خود درج کنند و این توضیحات تا عصر خلفای اوّلیه کم و بیش وجود داشت؛ ولی در این دوره به تدریج از بین رفت و به

۱- . آل عمران/ ۹۷

۲- . الاتقان ۴/ ۲۵۰.

۳- . التفسیر والمفسرون ۱/ ۴۹.

ص: ۲۳

فراموشی کشیده شد.

وارثان علوم نبوی

وارثان علوم نبوی

پس از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله داناترین مردم به حقایق قرآن اهل بیت علیهم السـلام هسـتند. رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله در طول حیـات خود نه تنهـا صـلاحیت سیاسـی اهـل بیت علیهم السـلام بلکه مقامات علمی آنان را نیز برای مردم تشـریح فرمود. به عنوان مثال حدیث:

«أَنَا مَدینهُ العِلم وَ عَلیّ بابُها»

یا

«أَنَا دارُ الْحِکمَهِ وَ عَلیّ بَابُها» (۱) ۳۵

که در خصوص علی علیه السلام صادر شده است، از شواهد قطعی بر دانش آن حضرت است.

به عقیده شیعه علوم امامان علیهم السـلام ریشه‌ای غیبی و الهی دارد و تنها به معلومات اکتسابی خلاصه نمی گردد. امّا اگر کسی این سخن را نپـذیرد لااقـل این حقیقت را نمی‌توانـد انکار کنـد که در بین اصـحاب پیامبر صـلی الله علیه و آله کسـی بهماننـد علی علیه السـلام به‌پیامبر نزدیک نبود و از خرمن دانش آن حضـرت بهره‌نگرفت. در این خصوص ابن اسحاق- که‌از قدیمی‌ترین سیره‌نویسان اهل سـنّت است- می‌نویسد: از نعمتهای خداوند بر علی علیه السلام یکی آن بود که آن حضرت از کودکی و قبل از ظهوراسلام در دامن رسول خدا صـلی الله علیه و آله پرورش یافت». (۲) ۳۶ در این مدّت طولانی انوار علوم نبوی بر وجود علی علیه السـلام تابیدن گرفت و آن حضرت وارث این علوم گردید. علی علیه السلام خود در این باره می‌فرماید: «نسبت من به

۱- . سنن ترمذی ۵/ ۵۹۶.

۲- . به نقل از السیرهٔالنبویه ۱/ ۲۶۲.

ص: ۲۴

پیامبر صلی الله علیه و آله چنان بود که چون از حضرتش سؤال می‌کردم به من پاسخ می‌گفت و چون ساکت می‌شدم او ابتدا به سخن می‌کرد». (۱) ۳۷ مفسر بزرگ اسلام، طبرسی، در تفسیر آیه: «وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ...» (۲) ۳۸- یعنی: تا این سرگذشت‌ها را گوش‌های گیرنده و شنوا به خاطر سپارد- می‌نویسد:

مصداق گوش‌های شنوا علی علیه السلام است. و سپس از قول آن حضرت می‌نویسد: «چون این آیه نازل گشت پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: از خدا خواسته‌ام که تو را دارای گوش‌های شنوا گرداند و به برکت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز مطلبی را که از آن حضرت شنیده بودم، از خاطر نبردم». (۳) ۳۹ علی علیه السلام در طول حیات خود به کرّات از نسبت معلّمی رسول خدا صلی الله علیه و آله و شاگردی خود در محضر آن بزرگوار سخن به میان آورد. به عنوان مثال در نهج‌البلاغه آمده است: روزی علی علیه السلام به پیشگویی حوادثی از آینده مبادرت ورزید به طوری که اصحاب آن حضرت دچار شگفتی شدند. در این هنگام یکی از حاضران پرسید: ای امیرمؤمنان، آیا علم غیب دارید؟ حضرت با خنده و تبسّم

۱- . سنن ترمذی ۵/ ۵۹۵.

۲- . سوره الحاقه/ ۱۲.

۳- . تفسیر مجمع البیان: ۱۰/ ۵۱۹.

ص: ۲۵

به آن شخص که از طایفه بنی‌کِلاب بود فرمود: «آنچه من می‌دانم مصداق علوم غیبی نیست، بلکه دانشی است که از عالِمی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا گرفته‌ام ...». (۱) ۴۰ با توجه به این مرتبه علمی، علی علیه السلام بارها خطاب به مردم فرمود: «سَلُونی قَبْل أن تَفْقِدُونی». (۲) ۴۱

یعنی:

قبل از آنکه مرا از دست دهید سؤالات خود را بپرسید. و در خصوص دانش قرآنی خود فرمود: «از کتاب خدا از من پرسش کنید. به خدا سوگند که آیه‌ای نیست مگر آنکه می‌دانم که در شب نازل شده یا در روز. در دشت نازل شده یا در کوه». (۳) ۴۲ و صحابی بزرگ، عبداللّه بن مسعود درباره دانش علی علیه السلام گفت: «قرآن بر هفت وجه نازل شد. و هر یک از این وجوه ظاهری دارد و باطنی. و ظاهر و باطن قرآن همه نزد علی علیه السلام است». (۴) ۴۳ به هر حال این مقام علمی- درباره علی علیه السلام که اعتراف همه صحابه را برانگیخت، به خودی خود دلیلی است که پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام به عنوان شایسته‌ترین فرد، مورد رجوع جامعه قرار گیرد.

۱- . نهج البلاغه: خطبه ۱۲۸.

۲- . الاتقان ۴/ ۲۳۳.

۳- . همان.

۴- . همان.

ص: ۲۶

امّا آنچه هنوز درباره مقامات اهل بیت علیهم السلام قابل توجّه‌تر است، موضوع حدیث ثقلین و شؤونی است که در این حدیث شریف برای اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله اثبات می گردد.

شؤون اهل بیت علیهم السلام

شؤون اهل بیت (ع)

شیعه و سنّی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتابَ اللَّهِ وعِتْرَتی اهْلِ بَیْتی مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا ابَداً. وَإِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ»؛

یعنی: «من در میان شما دو میراث وزین به یادگار می گذارم- کتاب خدا و عترت و اهل بیتم- که تا وقتی به این دو تمسّک جویید گمراه نخواهید شد و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

این حدیث به اصطلاح دانشمندان از احادیث قطعی و متواتری است که در صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله تردیدی وجود ندارد. یکی از محققان بزرگ شیعه به نام میرحامد حسین هندی در کتابی به نام عبقات‌الانوار این روایت را از حدود ۲۰۰ نفر از علمای اهل سنّت نقل کرده است. (۱) ۴۴ به عقیده ما حدیث ثقلین حجّتی برای همه مسلمانان تا روز

۱- . معارف اسلامی ص ۲۱۸.

ص: ۲۷

قیامت است و نتایج ارزشمندی در پی بردن به شؤون اهل بیت دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می گردد.

۱- قرآن و اهل بیت علیهم السلام ارتباط محکمی با یکدیگر دارند که این ارتباط تا روز قیامت باقی است.

۲- با توجه به این ارتباط، رسول خدا صلی الله علیه و آله هدایت و نجات مسلمانان را در تمسّک دو جانبه به قرآن و اهل بیت علیهم السلام تضمین فرمود.

۳- تمسّک یک جانبه به قرآن و اعراض از اهل بیت علیهم السلام نوعی تخلّف به شمار رفته و موجب ضلالت و گمراهی است.

۴- لازمه تمسّک به اهل بیت علیهم السلام، مراجعه مسلمانان به آنان و پذیرش رهنمودها و دستورات آنهاست.

۵- قول و فعل اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله همانند آیات قرآن حجّت و سند است. چرا که در تمسّک به آنان هدایت مسلمانان تضمین شده است.

۶- اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از هر گناه و اشتباهی معصومند.

زیرا لازمه حجّیت قول و فعل آنان، برخورداری ایشان از مقام عصمت است.

روشن است که نتایج ذکر شده به دو مطلب مهم و اساسی بازگشت پیدا می کند و آن وجود صفات علم و عصمت در شخصیت اهل بیت علیهم السلام است، این دو صفت همان ویژگی‌هایی است که خداوند متعال نیز در آیات

ص: ۲۸

قرآن (از جمله آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۷۸ سوره واقعه) آن را مورد تصریح قرار داده است.

و نیز به دلیل همین دو ویژگی است که هر مسلمانی را مکلّف به پیروی از اهل بیت علیهم السلام می گرداند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب مقام علمی اهل بیت خود فرمود:

«لَا تُعَلّموهُم فَهُم اعْلَمُ مِنکُم»؛ (۱) ۴۵

یعنی: «به آنان چیزی یاد مدهید؛ که از شما داناترند.» و در باب عصمت و طهارت آنان نیز اظهار داشت: «بدانید که خاندان من شما را از راه حق به در نمی‌برند و به راه ضلالت نمی کشانند». (۲) ۴۶

وصیّت نانوشته

وصیّت نانوشته

در آستانه وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق تلخی رخ داد که به دلیل حسّاسیت زمان وقوع، تاریخ، آن را با تمام جزئیات به ثبت رساند. جریان این اتّفاق در بیشتر کتب حدیثی و تاریخی وارد شده است. به عنوان مثال، در کتاب صحیح بخاری آمده است:

ابن عبّاس می گوید: «آن گاه که حال پیامبر صلی الله علیه و آله رو به وخامت نهاد فرمود: برای من کاغذ و قلمی بیاورید تا برای شما نامه‌ای بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید. در

۱- . اصول کافی ۱/ ۲۸۷.

۲- . همان.

ص: ۲۹

اینجـا عمر گفت: بیمـاری بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله غلبه کرده است. و کتـاب خـدا نزد مـاست که همان برای ما کافی است. امّا حاضـران در این باره به اختلاف پرداختند و سـروصدا بالا گرفت تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از کنار بستر من برخیزیـد کـه نزاع در نزد مـن جـایز نیسـت». (۱) ۴۷ علامـه مجلسـی در کتـاب بحارالانوار پس از نقـل چنـد حـدیث در ایـن زمینه می‌نویسد: «جریان کاغذ و قلم خواسـتن رسول خدا صـلی الله علیه و آله و جلوگیری عمر از آوردن آن، مطلب قطعی و مسلّمی است که بخاری و مسـلم و محدّثان دیگر اهل سنّت در صحاح خود نقل کرده‌اند». (۲) ۴۸ و اضافه می‌شود که بخاری در چنـد موضع از کتاب خود به درج آن اقدام کرده است.

اینکه رسول خدا صـلی الله علیه و آله در صدد نوشتن چه چیزی بود، فعلًا مورد نظر نمی‌باشد، آنچه مهم است آنکه عمربن خطّاب با گفتن:

«حَسْبُنَا کِتَاب اللَّه»

مانع نوشته شدن وصیّت پیامبر صلی الله علیه و آله گردید و چون در ضمن این کار به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت هذیان و غلبه بیماری داد، آن حضـرت از تصمیم خود مبنی برنوشتن وصیّت خودداری ورزید. زیرا به فرض مکتوب شدن وصیّت پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفان

۱- . صحیح بخاری: ۱/ ۱۲۰.

۲- . بحارالانوار ۲۲/ ۴۷۲.

ص: ۳۰

می‌توانستند با نسبت دادن هذیان، وصیّت آن حضرت را از اعتبار خارج سازند.

در این موقعیت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله چشم از جهان فرو بست و در شرایطی که علی علیه السلام بر بالین پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشت و مقدمات کفن و دفن آن حضرت را فراهم می‌ساخت، جمعی از اصحاب در محلّی به نام سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و پس از مذاکراتی چند، ابوبکر را به عنوان خلیفه برگزیدند. و به این صورت بود که علیرغم سفارش‌های مکرّر رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به جانشینی علی علیه السلام آن حضرت از صحنه سیاسی جامعه به دور ماند.

پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

پس از رسول خدا (ص)

به دنبال رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و در پی انزوای اهل بیت علیهم السلام از خلافت و جانشینی آن حضرت، دو کار دیگر از ناحیه زمامداران به وقوع پیوست که هر کدام در تضعیف فرهنگ اسلامی آثار نامطلوبی بر جای گذاشت. این اقدامات عبارت بودند از:

الف- ممنوعیت نقل و نگارش حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله

ب- خودداری و جلوگیری از تفسیر قرآن، ذیلًا در مورد هر کدام توضیحاتی درج می‌شود.

الف- ممنوعیت نقل و نگارش حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۳۱

پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله، نقل و نگارش احادیث آن بزرگوار ابتدا دچار محدودیت و سپس مورد ممنوعیت قرار گرفت. قراین این مطلب بیش از آن است که بتوان در این حقیقت تاریخی به تردید پرداخت و دانشمندان اسلامی- از شیعه و سنّی- در کتاب‌های تاریخی و روایی خود نوعاً به درج شواهد این مطلب اقدام کرده‌اند. به عنوان مثال شمس‌الدین ذهبی در کتاب تذکرةالحفّاظ اقدام ابوبکر را در نهی مسلمانان از نقل حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و به دنبال آن از بین بردن تعدادی از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله- که خود جمع کرده بود- نقل کرده است. (۱) ۴۹ ذهبی همچنین درباره اقدامات خلیفه دوم در جلوگیری از نقل حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله نمونه‌ای را به شرح زیر گزارش کرده است: «قرظةبن کعب گوید: آنگاه که عمر ما را- به عنوان والی و فرماندار- به عراق گسیل داشت، تا خارج از مدینه مشایعت کرد. و سپس گفت: می‌دانید چرا تا به این مکان به همراهی شما آمدم؟ گفتیم: حتماً به جهت احترام و تکریم آمده‌ای. او گفت: علاوه بر آن می‌خواستم مطلبی با شما در میان گذارم؛ و آن این‌که شما به شهری عزیمت می‌کنید که طنین قرآن مردمش همچون صدای زنبوران به

۱- . تذکرة الحفّاظ: ۱/ ۳.

ص: ۳۲

گوش می‌رسد. مبادا با نقل حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را از قرآن بازدارید! نقل حدیث را کم کنید. و من در ثواب این کار با شما شریکم». ذهبی سپس نوشته است: «چون قرطه به عراق رسید مردم به او گفتند: حدیثی برای ما نقل کن، امّا قرطه گفت: عمر ما را از این کار نهی کرده است». (۱) ۵۰

لازم به ذکر است که پیشگامان نقل و نگارش حدیث جهت توجیه کار خود برای مردم دلایلی ذکر می‌نمودند که در کتب تاریخی آمده است. مثل آنکه می‌گفتند: «نقل حدیث پیامبر عامل شیوع اختلاف است» یا «نقل حدیث مردم را از تلاوت قرآن بازداشته و عامل انزوای کتاب خدا می‌شود». یا آنکه: «با وجود کتاب خدا ما را نیازی به حدیث نیست». امّا در جای خود ثابت شده است که علل یاد شده نمی‌تواند توجیه‌گر اصلی سیاست جلوگیری از نقل حدیث باشد، بلکه ممنوعیت نقل حدیث در درجه نخست اقدامی سیاسی و گامی در جهت کتمان فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت آن حضرت بود. (۲) ۵۱ و این سیاست به خصوص در دوره خلافت معاویه با شدّت دنبال گردید و در نتیجه بسیاری از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله که درباره

۱- . همان: ۱/ ۷.

۲- . جهت اطلاع بیشتر از انگیزه‌های ممنوعیت نقل و نگارش حدیث ونقد آنها بنگرید به کتاب تاریخ عمومی حدیث ص ۸۴- ۸۶.

ص: ۳۳

علی و اهل بیت او وارد شده بود از بین رفت و متقابلًا روایاتی در مذمّت علی علیه السلام و خاندان او جعل و منتشر گردید. (۱) ۵۲ و به طوری که در تاریخ آمده است این و ضعیت همچنان ادامه یافت تا آنکه در پایان قرن نخست هجری، با به خلافت رسیدن عمربن عبدالعزیز، سیاست منع نقل و کتابت حدیث لغو گردید. (۲) ۵۳

ب- رویگردانی و جلوگیری از تفسیر قرآن

کار دیگری که پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی رخ نمود، بی‌توجهی عده‌ای از صحابه به امر تفسیر قرآن و تشویق صرف به تلاوت و ختم آن بود. و عجیب آنکه این کار توسط کسانی پی ریزی گشت که در وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله شعار

«حَسْبُنا کتاب اللّه»

سر داده بودند و انتظار می‌رفت که بیش از دیگران به مفاهیم قرآن توجه کنند. بنا به روایات تاریخی، نخستین کسی که از بحث پیرامون آیات قرآنی خودداری کرد، خلیفه نخست بود. و به طوری که محدثان نوشته‌اند، زمانی که ابوبکر درباره معنای: «وَکَانَ اللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ مُقِیتاً» (۳) ۵۴ پرسشی کردند، او در پاسخ گفت: «کدام آسمان بر من سایه افکند و کدام

۱- . شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید ۱۱/ ۴۴ و ۴/ ۶۳- ۶۸.

۲- . سنن دارمی ۱/ ۱۲۶.

۳- . نسا/ ۸۸

ص: ۳۴

زمین مرا در بر گیرد اگر درباره کتاب خدا چیزی را که ندانم بر زبان آرم؟». (۱) ۵۵ پس از درگذشت ابوبکر، موضوع خودداری از تفسیر از بعد وسیعتری در بین صحابه برخوردار گشت و به تدریج به عنوان سیاستی از ناحیه خلفای وقت مورد توجه قرار گرفت. طبری در تاریخ خود آورده است که: عمر در دوران خلافت خود همواره به والیان خود سفارش می‌کرد که در مناطق تحت فرمان خویش از نقل حدیث و تفسیر قرآن بپرهیزند. (۲) ۵۶ علاوه بر آن خلیفه دوم با کسانی که در زمینه قرآن به بحث و تحقیق می‌پرداختند شخصاً برخورد کرده و در مواردی آنان را به مجازات می‌رساند.

معروف‌ترین حادثه‌ای که تاریخ در این زمینه ثبت کرده است جریان برخورد خلیفه دوم با صبیغ‌بن عسل تمیمی است. در این زمینه از قول سلیمان‌بن یسار، چنین نقل شده است: «مردی به نام صبیغ وارد مدینه شد و در زمینه متشابهات قرآن از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤالاتی به عمل آورد. عمر به دنبال او فرستاد، در حالی که قبلًا دو شاخه تر از درخت خرما آماده کرده بود. وقتی آمد به او گفت: تو کیستی؟ او گفت: من بنده خدا صبیغ هستم. عمر

۱- . تفسیر ابن کثیر ۱/ ۶.

۲- . تاریخ طبری: ۴/ ۲۰۴ و نیز بنگرید به شرح نهج‌البلاغه ۱۲/ ۹۳.

ص: ۳۵

یکی از چوب‌ها را برداشت و گفت: من هم بنده خدا عمر هستم. آنگاه چنان بر سر و صورت وی زد تا خون از او جاری شد. صبیغ گفت: ای امیر مؤمنـان، بس است! آنچه در سـرم بود از خاطر برفت». بنا به روایات دیگری که در این زمینه در کتب تفسـیر و تاریخ وجود دارد، عمر تـا سه نوبت به تنبیه صبیغ ادامه داد و سـپس به او اجـازه داد تـا به وطن خود یعنی عراق مراجعت کنـد امّا در همان حال به عامل خود ابوموسـی اشـعری نوشت که هیچ یک از مسلمانان حق نشست و برخاست با صبیغ را ندارند. (۱) ۵۷ ناگفته نماند که از نظر محققان شیعه خودداری و بلکه جلوگیری از تفسیر قرآن، اقدامی شبیه به جلوگیری از نقل حدیث بوده و هدفی جز آن در بر نـداشت. زیرا چنان‌که روشن است آیات فراوانی در فضـیلت اهل بیت رسول‌خـدا صـلی الله علیه و آله نازل شـده که بحث از آنها آن‌هم بـا تکیه بر روایـات نبوی- از جهت سیاسـتمداران وقت اقـدامی مصـلحت آمیز نبود و چه بسـا موقعیت آنان را نیز با خطرهایی مواجه می‌سـاخت. از این رو چنـانکه گفته شـد، در این دوره مردم صـرفاً به تلاـوت قرآن و ختم مکرر آن تشویق شـده و از تـدبر و شناخت بسیاری از مفاهیم قرآنی به دور افتادند. امّا به طوری که خواهد آمد، پس از مدتی

۱- . جهت اطلاع از این روایات بنگرید به سنن دارمی ۱/ ۵۴ و ۵۵.

ص: ۳۶

وضعیت دیگری جایگزین این شرایط گشت.

تفسیرگویی در عصر صحابه

تفسیرگویی در عصر صحابه

از آنجا که قرآن پایه اصلی حقایق دینی برای مسلمانان به‌شمار می‌رفت، سیاست‌جلوگیری ازتفسیر قرآن نتوانست به عنوان سیاستی دائمی برقرار بماند؛ به ویژه آنکه شعاری چون:

«حَسْبُنَا كِتَاب اللَّه»

طنین انداز شده و انتظار ویژه‌ای را از قرآن به وجود آورده بود. از این رو ابتدا در دوره خلافت عمر دو تن از صحابه- یعنی عبداللَّه بن عباس و عایشه (همسر پیامبر)- اجازه یافتند که در خصوص تفسیر قرآن و یا بیان مسائل شرعی، مطالبی را با مردم در میان گذارند. (۱) ۵۸ و سپس با انتقال پاره‌ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به شهرها و مراکز اسلامی، به تدریج مکاتب و مدارسی در آموزش‌قرائت وتفسیر قرآن‌دائر گردید که معمولًا در رأس هرمدرسه‌ای، یکی‌از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت. (۲) ۵۹ در این مدارس محور اصلی آموزش، تعلیم قرائت قرآن بود، امّا در باب مفاهیم آیات نیز توضیحاتی در اختیار شاگردان قرار می گرفت. مفسران جهت آگاهی از

۱- . القرآن الکریم و روایات المدرستین ۲/ ۴۱۹.

۲- . تاریخ تفسیر قرآن کریم ۶۸- ۸۷.

ص: ۳۷

مفاهیم واژه‌های قرآن غالباً به سراغ اشعار و ضرب‌المثل‌های عرب می‌رفتند و با تکیه بر این گونه شواهد حقایق قرآن را بررسی می‌کردند. آنهاهمچنین جهت پی‌بردن به تفاصیل سرگذشت‌هایی که در قرآن به اجمال وارد شده است به توضیحات برخی از علمای اهل کتاب که به کسوت مسلمانی در آمده بودند مراجعه می‌کردند و به این ترتیب به تدریج جریانی مشهور به اسرائیلیات وارد حوزه تفسیر و حدیث گشت و فرهنگ اسلامی را آلوده ساخت. (۱) ۶۰ با توجه به محدودیتی که در باب نقل و نگارش حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود آمده بود، در این دوره معلّمان قرآن و فقهای صحابه به تدریج به استفاده از رأی و دانش شخصی در مسیر تفسیر قرآن یا صدور فتاوای دینی متمایل شدند. و پس از مدتی جواز استفاده از رأی به صورت دستورالعملی از ناحیه خلفا صادر گردید. در این مورد در منابع حدیثی اهل سنت، روایاتی وارد شده که از آنها استفاده می‌شود: ابوبکر، عمر، ابن‌عباس و ابن‌مسعود هر گاه در برابر مسأله‌ای قرار

۱- . علت این آلودگی آن بود که منبع اصلی این مطالب کتب اهل کتاب‌در آن دوره بود که به علت وقوع تحریف در آنهاآکنده از مطالب خرافی و غیر واقعی بود. جهت اطلاع بیشتر در این باره بنگرید به کتاب تاریخ عمومی، ص ۱۰۳ حدیث تحت عنوان: پیدایش اسرائیلیات و قصه‌پردازی.

ص: ۳۸

می‌گرفتنـد، نخست به قرآن و سنّت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نظر می‌افکندنـد و در صورتی که پاسخ خود را در آن دو منبع پیدا نمی‌کردند، از رأی و نظر خود در پاسخگویی اسـتفاده می‌کردند. مثلا در سـنن دارمی دستورالعملی از ناحیه خلیفه دوم خطاب به شـریح قاضـی آمـده است که شـرح آن چنین است: «اگر مسأله یا قضاوتی به نزد تو آوردنـد که درباره آن حکمی در کتاب خدا وجود دارد براساس کتاب خـدا حکم کن. اگر در کتاب خـدا پاسـخی نیافتی، به سـنّت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله توجه کن و براساس آن حکم نما. اگر در سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز جوابی نیافتی، بنگر که مردم (صحابه) در آن مسأله چه نظری دارند و تو نیز همان گونه حکم نما. امّا اگر در برابر مسأله‌ای قرار گرفتی که در کتاب خدا و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فتـاوای قبـل از تو اشاره‌ای نسـبت به آن وجود نـدارد، یکی از دو روش را در پیش گیر: یا آنکه به رأی خود اجتهاد کرده و صـدور حکم را به تأخیر میفکن. و یا اگر خواستی از اعلام رأی خودداری کن (تا دستوری از مرکز صادر شود)». (۱) ۶۱ مطابق قراین معتبر تاریخی، از اواخر دوران صحابه استفاده از رأی در تفسیر قرآن و یا صدور فتاوای دینی، در بین مردم شایع گردید و با گذشت زمان به حجم آن افزوده

۱- . سنن دارمی ۱/ ۵۸- ۶۰.

ص: ۳۹

شد؛ به طوری که در پایان قرن نخست که مقارن با شروع امامت صادقین علیهما السلام است، رأی به عنوان یکی از مبانی استنباط احکام الهی در بین اهل سنّت به رسمیت شناخته شد. در این زمان جریان وسیعی در عراق به وجود آمد که اصطلاحاً به جریان رأی و قیاس مشهور است. با توجه به این جریان به تدریج برای عده‌ای از فقها و مفسران اهل سنّت این مطلب مسلم گشت که حقایق متعددی وجود دارد که درباره آن اصل و ریشه‌ای در کتاب خدا یا سنّت نبوی دیده نمی‌شود و در نتیجه آنان مجازند که با استفاده از رأی خود درباره آن حقایق به اظهار نظر بپردازند و نتیجه این تفکر ظهور تفسیرهای مختلف از یک آیه قرآنی یا صدور فتاوای مختلف در یک مسأله شرعی بود که در این دوره به اوج خود رسید.

عصر صادقین؛ بازگشت به کتاب و سنت

اشاره

عصر صادقین؛ بازگشت به کتاب و سنت

با فرا رسیدن دوره صادقین علیهما السلام موج فکری جدیدی در حوزه فرهنگ و عقاید اسلامی به وجود آمد که در نگرش عمومی به قرآن و حدیث تأثیر فراوانی بر جای گذاشت.

مرکز این موج مدینه منوره بود، امّا شعاع آن به تدریج همه نقاط را فرا گرفت. در این موج فکری امام باقر و امام صادق علیهما السلام بار دیگر این تفکر را رایج ساختند که هیچ

ص: ۴۰

حقیقتی نیست مگر آنکه ریشه‌ای در کتاب یا سنّت دارد هر چند که گروهی به دلیل ضعف دانش قادر به درک یا کشف آن نباشند. (۱) ۶۲ صادقین علیهما السلام همچنین در تحکیم موقعیت کتاب و سنّت اقدامات متعددی انجام دادند که ذیلًا به مهمترین آن اشاره می گردد:

۱. نقد ملاک رأی و قیاس

با توجه به روایاتی که از صادقین علیهما السلام وارد شده است، آن دو بزرگوار در بیان مسائل اسلامی هر گونه استفاده از رأی و قیاس را مردود دانسته و معتقدان به رأی و قیاس را با شیطان برابر دانسته‌اند. مطابق این روایات اگر دین الهی با مبنای قیاس سنجیده شود به تدریج اصالت خود را از دست داده و نابود خواهد شد.

در این زمینه کلینی رحمهم الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «پیروان قیاس با استمداد از مقایسه به جستجوی حقیقت رفتند، امّا قیاس جز به دوری آنان از حقیقت نیفزود. دین خدا با قیاس و استحسان (برداشت ذوقی) صحیح نمی‌شود». (۲) ۶۳ در روایت دیگر ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام

۱-. اصول کافی ۱/ ۶۰.

۲-. اصول کافی ۱/ ۵۶.

ص: ۴۱

گفتم: مسائلی مطرح می‌شود که پاسخ آن را در کتاب خدا نمی‌یابیم و سنتی (حدیثی) درباره آن وجود ندارد که در آن بنگریم. آیا می‌توانیم فکر خود را به کار انداخته و پاسخ دهیم؟ ابوعبداللّٰه علیه السلام گفت: «نه. باخبر باش که اگر فتوای تو با حقیقت موافق باشد اجر و پاداشی نخواهی برد.

و اگر بر خطا باشد بر خداوند تبارک و تعالی دروغ بسته‌ای». (۱) ۶۴ در مورد روایات تذکر دو نکته ضروری است:

الف- امامان شیعه علیهما السلام با این تفکر مخالف بوده‌اند که احیاناً مسائلی وجود دارد که درباره آنهااصلی در کتاب و سنّت وارد نشده است، به این جهت امامان استفاده از رأی و قیاس را رد کردند و همه جا توجه مردم را به کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله معطوف نمودند، چنان‌که امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: «هیچ امری نیست که مورد اختلاف دو نفر واقع شود مگر آنکه ریشه‌ای در کتاب خدا دارد امّا خردهای معمولی آن را درک نمی‌کنند». (۲) ۶۵ ب- امامان شیعه علیهم السلام هرگز با تفکر صحیح درباره آیات قرآن مخالف نبودند، البته تفسیر به معنای پرده برداشتن از مراد و مقصود صاحب سخن است و در مورد تفسیر قرآن،

۱- . همان.

۲- . اصول کافی ۱/ ۶۰.

ص: ۴۲

بر مفسر لازم است که قبل از پرداختن به تفسیر، همه قرائن داخلی و خارجی آیه مورد نظر را بررسی کند و از جمله سنن و روایاتی را که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت او رسیده، مورد بررسی و دقت قرار دهد و در نهایت با احتیاط کامل معنایی که از آیه به دست آورده است را بیان نماید. در صورت بی‌توجهی به موارد ذکر شده، تفسیر مصداقی از تفسیر به رأی خواهد بود که امری مذموم و ناروا خواهد بود. در این میان مراجعه به روایات معصومان علیهما السلام در زمینه آیات الاحکام امری لازم و ضروری است. امّا در مورد آیاتی که برای تذکر و بیداری دل‌های زنگار گرفته انسان‌ها و توجه دادن به آداب و اخلاق نیکوی انسانی نازل شده، از چنین بحثی مستثنی هستند، زیرا اینگونه آیات قابل نسخ و یا تخصیص نبوده و در همه زمان‌ها عموم مردم آنهارا فهمیده و متذکر می‌شوند.

۲. انتقاد از فقهاء و مفسران اهل سنت

در پاره‌ای از روایات امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به انتقاد از فقها و مفسران اهل سنّت پرداخته و آنان را فاقد هر گونه درک صحیح نسبت به قرآن اعلام نموده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل این موضع گیری امامان علیهم السلام به جهت استفاده اهل سنّت از رأی شخصی در حوزه تفسیر و مسائل فقهی

ص: ۴۳

آن هم به گونه افراطی بوده است. اینک به موارد زیر توجه کنید:

الف- امام باقر علیه السلام خطاب به قتاده- مفسر معروف اهل سنّت در عراق- گفت: ای قتاده به یقین قرآن را تنها کسی می‌شناسد که مخاطب آن باشد. سپس فرمود: به من رسیده است که تو به تفسیر قرآن مشغول شده‌ای. قتاده گفت:

آری. امام فرمود: وای بر تو ای قتاده! اگر قرآن را از پیش خود تفسیر می‌کنی به یقین هلاک خواهی شد و دیگران را هم به هلاکت خواهی کشاند. و اگر قرآن را به نقل از دیگران تفسیر کنی باز هم هلاک خواهی شد و دیگران را به هلاکت خواهی کشاند». (۱) ۶۶ ب- در قسمتی از روایت مفصلی که شیخ صدوق در علل الشرایع آورده است، امام صادق علیه السلام در انتقاد از ابوحنیفه- که در عراق به کار فتوا مشغول بود- می‌فرماید:

ای ابوحنیفه، آیا تو قرآن را آنچنان که سزاوار شناختن آن است می‌شناسی؟ آیا در قرآن ناسخ را از منسوخ باز می‌شناسی؟ ابوحنیفه در پاسخ گفت: آری. امّا امام علیه السلام فرمود: «ای ابوحنیفه، حقا که ادعای دانش می‌کنی، امّا بدان که چنین دانشی را خداوند جز در نزد اهل قرآن که کتاب خدا بر ایشان نازل شده، قرار نداده است. آری؛ چنین

۱- . تفسیر البرهان ۱/ ۱۸.

ص: ۴۴

دانشی جز در نزد ذریّه ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست. و قطعاً خداوند دانش حرفی از کتاب خود را در اختیار تو قرار نداده است». و در دنباله روایت آمده است که امام سؤالاتی از قرآن به میان آورد که ابوحنیفه از پاسخ آنهادرماند. (۱) ۶۷ ج- امام صادق علیه السلام در انتقاد از هرگونه تفسیر به رأی فرمود: «آنکس که قرآن را با رأی خود تفسیر کند، به فرض که درست و مطابق با واقع تفسیر کند، اجر و پاداشی نخواهد برد. امّا اگر به خطا تفسیر کند، او از مرز حق و حقیقت بیش از فاصله زمین و آسمان دور شده است». (۲) ۶۸

۳. جهت‌گیری صحیح نسبت به قرآن

اشاره

امامان شیعه علیهم السلام با جهت گیری صحیح نسبت به قرآن، کتاب الهی را به صحنه مباحث فکری باز گرداندند. آنان بدین منظور شاگردان خود را با مفاهیم قرآن آشنا کردند و به تأمل و تدبر در کلام الهی تشویق نمودند. اقدامات امامان معصوم به ویژه صادقین علیهما السلام در این حوزه از تنوع ویژه‌ای برخوردار است که ذیلًا به اهمّ آن اشاره می گردد:

الف- نهی از تندخوانی و ختم سریع قرآن

۱- . علل الشرایع ۱/ ۱۱۲.

۲- . تفسیر صافی ۱/ ۳۵.

ص: ۴۵

در روایـات معتبر از تنـدخوانی قرآن و ختم آن در کمـتر از سه روز نهی شـده است. (۱) ۶۹ در روایتی امـام صادق علیه السـلام در معنای: «ورَتّل القُرآن تَرتیلًا» (۲) ۷۰ از قول علی علیه السـلام فرمود: «در تلاوت قرآن آن را خوب بیان کن. و هماننـد شـعر آن را با شتاب مخوان. وماننـد ریگ آن را در دهان پراکنده مساز. امّا دل‌های سـخت خود را با تلاوت قرآن به بیم و هراس افکنید. و هرگز همّ شما به پایان رساندن سوره نباشد». (۳) ۷۱ در روایت دیگر امام صادق علیه السلام خود در معنای آیه:

«کسانی که کتاب آسـمانی به آنها داده‌ایم آن را چنانکه شایسـته آن است می‌خوانند» (۴) ۷۲ فرمود: «تلاوت شایسـته کتاب خدا به این معنی است که در برابر آیاتی که از بهشت و دوزخ سـخن می‌گویـد، مکث و تأمل شود. به این صورت که در آیات رحمت، از خـدا تقاضای رحمت و در آیات عـذاب، از عذاب الهی به خداوند پناه برده می‌شود». (۵) ۷۳ ضمناً از روایات دیگر به‌دست‌می‌آید که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهما السلام در تلاوت قرآن خود نیز به این روش

۱- . الکافی ۲/ ۶۱۷.

۲- . مزمل/ ۴

۳- . وسائل الشیعه ۴/ ۸۳۶.

۴- . بقره/ ۱۲۱

۵- . وسائل الشیعه ۴/ ۸۶۳.

ص: ۴۶

عمل می‌کرده‌اند. (۱) ۷۴

ب- دعوت به ریشه‌یابی مطالب در قرآن

امامان علیهم السلام معتقد بودند که هر مطلبی بلاشک ریشه‌ای در قرآن دارد که میتوان با تأمل و تدبر به آن دست یافت. از این رو شاگردان خود را به گونه‌ای تربیت کرده‌اند که بتوانند به ریشه‌های مطالب در قرآن واقف گردند.

در این زمینه شواهد فراوانی در روایات خصوصاً در روایات شیعه وجود دارد که به برخی از آنهااشاره می‌گردد:

۱. امام علی علیه السلام در حدیث معروفی می‌فرماید: «این قرآن را به نطق و سخن در آورید که (خود) با شما سخن نمی‌گوید بدانید که من شما را به (حقایق) آن باخبر می‌سازم، علم (و سرگذشت‌های) گذشتگان و علم (حوادث) آیندگان تا روز قیامت در قرآن است، قرآن اساس داوری در زمینه اختلافات بین شماست و اگر از (حقایق) قرآن از من سؤال کنید، همه را به شما خواهم آموخت». (۲) ۷۵ ۲. کلینی (ره) به نقل از ابوالجارود روایت کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر گاه مطلبی برای شما گفتم، ریشه آن را

۱- . از جمله‌بنگرید به القرآن الکریم و روایات المدرستین ۱/ ۱۷۱ و ۱۸۱.

۲- . اصول کافی: ۱./ ۶۱.

ص: ۴۷

در قرآن از من سراغ گیرید». (۱) ۷۶ ۳. عبدالاعلی بن اعین در حدیثی می گوید: «شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: «من زاده رسول خـدایم. من کتاب خدا را می‌شـناسم. آغاز آفرینش و برنامه کائنات در کتاب خداست. اخبار آسـمان، اخبار بهشت و دوزخ، آینده زندگی و گذشته گیتی در کتاب خداست. من همه این مسائل را می‌دانم چنانکه گویا در کف دست خود می‌نگرم.

آری؛ خداونـد می‌فرمایـد: «کتاب من بیانگر همه پدیـده‌هاست». (۲) ۷۷ بـا چنین اشـرافی به قرآن هر گـاه شاگردان صادقین علیهما السـلام جویای ریشه قرآنی مطلبی می‌شدند، آن دو بزرگوار بلافاصـله شاهد آن را از قرآن بیان می کرده‌اند. در این زمینه نمونه‌های فراوانی در کتب روایی درج شـده است. (۳) ۷۸ آنان به گونه‌ای پرورش یافتنـد که بتواننـد در زمینه هر مطلبی شاهدی از قرآن و یا سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله اقامه کنند؛ کاری که امروزه نیز فقهای شیعه در مسیر اجتهاد صحیح آن را دنبال می کنند و با تکیه بر شواهد قرآنی و روایی به استنباط مسائل دینی می‌پردازند. (دقت شود

۱- . همان ۱/ ۶۰.

۲- . همان.

۳- . از جمله بنگرید به اصول کافی ۱/ ۶۰.

ص: ۴۸

که روایات شیعه چیزی جز همان سنّت واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله نیست). (۱) ۷۹

د- توضیح و تبیین مقاصد قرآنی

روایات زیادی در دست است که نشان می‌دهد که امامان شیعه علیهم السلام نیز همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبیین حقایق قرآن اشتغال داشته و خصوصاً به سؤالات اصحاب و مراجعان خود به روشنی پاسخ داده‌اند. در این روایات مشاهده می گردد که امامان علیهم السلام گاه به توضیح لغات و تعابیر مهم آیات پرداخته‌اند. گاه در باب شأن نزول آیات و نیز مصادیق آنها را به زبان آورده‌اند، و گاه نیز در زمینه تفسیر آیات قرآن مطالبی را با مخاطبان خود در میان نهاده‌اند.

ضمناً در این پرسش و پاسخ‌ها تفاوتی بین دوستان و یا دشمنان امامان نبوده است. در این قسمت از بین انبوه روایات قرآنی به ذکر سه نمونه بسنده می‌شود:

۱. ابن کثیر در تفسیر خود می‌نویسد: از طرق متعدد از علی علیه السلام نقل است که بر فراز منبر کوفه فرمود: قبل از آنکه مرا از دست بدهید سؤالات خود را بپرسید. شما از آیه‌ای از کتاب خدا یا سنتی از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال نخواهید کرد مگر آنکه شما را از آن باخبر سازم. در اینجا ابن‌الکُوّا- که

۱- . در این خصوص بنگرید به پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه ص ۲۳۵.

ص: ۴۹

از سران خوارج بود- به پا خاست و گفت: ای امیرمؤمنان، معنای: «وَالذَّارِيَاتِ ذَرْواً» (۱) ۸۰ چیست؟ علی علیه السلام فرمود: بادها. او سؤال کرد: «فَالْحَامِلَاتِ وَقْراً» (۲) ۸۱ یعنی چه؟

حضرت فرمود: ابرها. ابن‌الكوّاء باز پرسید: «فَالْجَارِيَاتِ يُسْراً» (۳) ۸۲ چیست؟ حضرت پاسخ داد: کشتی‌ها. باز پرسید: «فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْراً» (۴) ۸۳ چه کسانی هستند؟ حضرت در پاسخ فرمود: ملائکه. (۵) ۸۴ ۲. امام باقر علیه السلام در توضیح آیه: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً» (۶) ۸۵- یعنی: آنان که چون انفاق کنند نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو اعتدالی دارند- فرمود: در این آیه «اسراف» یعنی انفاق در مسیر معصیت الهی، و «اقتار» یعنی بخل ورزیدن از ادای حقوق واجب الهی. و مراد از «قوام» رعایت عدالت و انفاق در چیزهایی است که خدا فرمان داده است. (۷) ۸۶ ۳. کلینی رحمهم الله از ابوبصیر روایت کرده که او گفت: به ابوعبداللَّه صادق علیه السلام گفتم: این آیه را تفسیر کنید که خداوند

۱- ، ۲، ۳، ۴. الذاریات: ۱- ۴

۲- ۲

۳- ۳

۴- ۴

۵- . تفسیر القرآن العظیم ۴/ ۲۴۸.

۶- . فرقان/ ۶۷

۷- . تفسیر نورالثقلین ۴/ ۲۷.

ص: ۵۰

فرموده است: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (۱) ۸۷ یعنی: یهودیان و مسیحیان، دانشمندان و علمای دینی خود را به عنوان رب اختیار کردند (و بدین سبب عبادت خدا را فرو نهادند). امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند خاخام‌ها و کشیش‌ها مردم را به پرستش خود دعوت نکردند. و اگر دعوت می‌کردند هیچ کس پذیرا نمی‌شد. امّا (معنای آیه آن است که) موقعی که آنهابا رأی خود حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند، مردم نیز (بدون اعتراض) پذیرا شدند و ندانسته آنها را عبادت کردند». (۲) ۸۸ ۴. در تفاسیرالبرهان و نورالثقلین، در ذیل آیه:
«وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ ...» (۳) ۸۹ روایات متعددی از دو امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام وارد شده است که مراد از «شجره ملعونه» در قرآن بنی‌امیه هستند و خداوند با این تعبیر از آنان خبر داده است. (۴) ۹۰

د- روشنگری در زمینه تأویل قرآن

۱- . توبه/ ۳۱

۲- . اصول کافی ۱/ ۵۳.

۳- . اسراء/ ۶۰

۴- . تفسیر نورالثقلین ۳/ ۱۷۹، تفسیرالبرهان ۲/ ۴۲۵.

ص: ۵۱

مرتبه‌ای از حقـایق قرآنی که فراتر از تفسـیر آن است تأویل قرآن است. تأویل در لغت به معنای برگردانـدن و رجوع است (۱) ۹۱ و تأویل قرآن بر طبق شواهـد روایی و لغوی به معنای برگردانـدن کلام از معنای ظاهری به معنایی است که گاه قرینه و شاهد کافی بر آن در لفظ وجود ندارد. اگر چه بعد از بیان معنای تأویلی به‌وسیله خاندان وحی معلوم می‌شود که نوعی تناسب بین معنای ظاهری و معنای تأویلی وجود دارد ولی این تناسب قاعـده و روشـی ندارد که همگان بتوانند با فراگرفتن آن به تأویل آیات قرآن کریم دست یابند.

پس این سخن خدای تعالی که می‌فرماید: «تأویل قرآن راجز خدا وراسخان درعلم (یعنی خاندان وحی) هیچکس نمی‌داند». (۲) ۹۲ سخنی است که عقـل انسـانی هم شاهـد و دلیـل بر آن است. زیرا عـدول از معنـای ظـاهر سـخن و نوشـته و حمـل آن بر معنـایی که هیچگونه دلالـتی در کلاـم بر آن وجود نـدارد خلاف بنای عقلا و عرف است مگر آنکه قرائتی از داخل یا خارج لفظ چنین جوازی را ارائه دهد.

لذا انسان گر چه از صفای باطن و دانش فراوان برخوردار باشد ولی تا با متکلم و صاحب سخن ارتباط

۱- . القاموس المحیط ۳/ ۳۴۱.

۲- . سوره آل عمران/ ۷.

ص: ۵۲

نداشته باشد و آشنا به امور نهفته در سخن و نوشتارش نباشد نمی‌تواند معنای تأویلی کلام و نوشتار او را به‌دست آورد. زیرا معلوم است وقتی در کلام و نوشتار دلالتی بر معنای تأویلی نبود و قاعده‌ای هم از سوی متکلم و نویسنده در مورد معنای تأویلی کلام و نوشته‌اش وجود نداشت چگونه می‌تواند بدون ارتباط با او دست به تأویل کلام او زد؟ به همین جهت است که علمای شیعه به مصداق: «لَایَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (۱) ۹۳- یعنی: (حقایق) قرآن را جز پاکان کس دیگر مس نمی‌کند،- قائل به انحصار راسخان در علم، در خاندان وحی هستند. گر چه افراد بیمار دل به تأویل نابجای قرآن دست زده و از این طریق در صدد انحراف مردم باشند. (۲) ۹۴ باری بدین جهت یکی از کارهای امامان شیعه علیهم السلام در حوزه‌قرآن بیان‌صحیح‌تأویل آیات بوده است و در اینجا از بین‌تأویلات به‌جای مانده‌به‌ذکر یک نمونه بسنده می‌گردد:

در تفسیر نورالثقلین در ذیل آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْراً فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (۳) ۹۵- یعنی: بگو: به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود چه

۱- . واقعه: ۷۹

۲- . سوره آل عمران/ ۷: «اما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله».

۳- . ملک/ ۳۰

ص: ۵۳

کسی می‌تواند آب جاری و گوارا را در دسترس شما قرار دهد- چهار حدیث از ناحیه امامان (امام باقر، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام) وارد شده است که بیانگر تأویل این آیه از ناحیه ائمه است. از جمله در یکی از این روایات ابوبصیر از امام باقر روایت کرده است که حضرت فرمود: «این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده و مفاد حقیقی آن چنین است:

بگو: به من خبر دهید اگر امام شما غایب گردد که ندانید وی در کجا قرار دارد چه کسی برای شما امام ظاهری قرار می‌دهد که شما را به اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام الهی واقف گرداند. امام سپس فرمود: «به خدا تأویل این آیه هنوز ظاهر نشده و لاجرم روزی فرا خواهد رسید». (۱) ۹۶

حاصل و نتیجه کار صادقین علیهما السلام؛ نگاهی به تفاسیر روایی شیعه

حاصل و نتیجه کار صادقین (ع)

باید گفت که مهمترین دست‌آورد کار صادقین علیهما السلام بطلان عملی شعار

«حسبنا کتاب اللّٰه»

و بازگرداندن مردم به مطاوی کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. و از این جهت این دو بزرگوار حتی در تصحیح مبانی فقهی، حدیثی و تفسیری اهل سنّت تأثیر زیادی بر جای نهادند.

از این دو امام همچنین روایات فراوانی در زمینه تفسیر

۱- . تفسیر نور الثقلین ۵/ ۳۸۷.

ص: ۵۴

و تأویل قرآن صادر گردیـد که توسط یاران آنها در کتب و اصول حدیثی ثبت گردید. امّا از آنجا که در دوره‌های بعد دست جعل و تحریف، حوزه روایات را تحت تأثیر قرار داد، این مطلب بر اصالت روایات تفسیری هم اثر گذاشته و موجب گردید که برخی از مواریث حدیثی و تفسیری امامان علیهم السلام به نسل‌های بعد انتقال پیدا نکند و یا از خلوص و اصالت اولیه خارج گردد. امّا آنچه از روایات تفسیری امامان در دوره متقدمان باقی ماند توسط بزرگانی چون فُرات بن ابراهیم کوفی، علی بن ابراهیم قمی و محمد بن مسعود عیاشی در تفاسیری که به نـام این بزرگـان مزیّن شـده است، جمع‌آوری گردیـد و بعـدها همین روایات در اختیار مفسـران بزرگی چون شیخ طوسی و طبرسی قرار گرفته و به تفاسیر آنان راه یافت.

در دوره متأخران نیز دانشـمندان دیگری ظهور کرده و موفق شدند که با تتبع در کتب روایی و نیز تفاسـیر قبل خود، حتی‌الامکان، به جمع روایات تفسیری مبادرت کرده و تفاسیر جامعتری تـدوین کننـد. و از این بزرگان می‌توان از عبـد علی حویزی صاحب تفسـیر «نورالثقلین» سید هاشم بحرانی صاحب تفسیر «البرهان» و فیض کاشانی صاحب تفسیر «الصافی» نام برد.

امّا اینکه آیا در حال حاضر در ذیل هر آیه‌ای روایتی وجود دارد و یا روایات تفسیری موجود تکافوی نیازهای

ص: ۵۵

علمی امروز را می‌نمایـد، قطعاً پاسـخ هر دو سؤال منفی است و دلیل آن چنانکه گفته شـد فقدان بسـیاری از روایات صادره از ناحیه پیامبر صـلی الله علیه و آله و امامان علیهم السـلام است. لیکن این مطلب به معنای بی‌اعتنایی به روایات به جا مانده و روی آوردن به تفسیر به رأی و به عبارت دیگر استغنای از اهل بیت علیهم السلام و زنده سازی دوباره شعار

«حسبنا کتاب اللّٰه»

نیست.

آنچه در زمینه فهم قرآن از اهمیت اساسـی برخوردار است برخورد پرهیزکارانه با قرآن است که قطعاً ضامن هدایت خواهد بود. (۱)

۹۷ در این برخورد پس از آشـنایی با علوم مقـدماتی در تفسـیر قرآن (از قبیل صـرف و نحو، لغت، اشـتقاق، علوم ادبیماننـد معانی، بیـان و بـدیع و علوم قرآنی ماننـد اسـباب النزول، ناسـخ و منسوخ، محکم و متشـابه و ...) لازم است که شـخص به روایات اهل بیت علیهم السـلام مراجعه کرده و هم زمان در مضامین آیات الهی تـدبر کنـد و سـپس به تفسـیر اقـدام نمایـد. و به خصوص باید گفت: مفسـر وظیفه دارد به احادیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام که در تفسیر قرآن وارد شده مرور و غور کرده به روش ایشان آشـنا شود، پس از آن طبق دسـتوری که از ناحیه امامان علیهم السـلام رسیده است به تفسیر قرآن پردازد به این صورت که از

۱- . بقره/ ۲

ص: ۵۶

روایاتی که در تفسیر آیه وارد شده آنچه را موافق مضمون آیه است اخذ نماید. و روایات مخالف با آن را کنار گذارد. (۱) ۹۸

۱- . الکافی ۱/ ۶۹.

ص: ۵۷

ص: ۵۸

منابع و ماخذ

منابع و ماخذ

۱. قرآن مجید.

۲. نهج‌البلاغه، به تصحیح دکتر صبحی صالح، تهران، دارالاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۳. الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین سیوطی، قم، منشورات رضی، بیدار، ۱۳۶۳ ه. ش.

۴. بحارالانوار الجامعۀ لدرراخبارالائمۀ الاطهار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، دارالوفا، ۱۴۰۳ ه. ق.

۵. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، دکتر مجید معارف، مؤسسه فرهنگی ضریح

۶. تاریخ قرآن، دکتر محمود رامیار، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ه. ش.

۷. تاریخ تفسیر قرآن کریم، حبیب اللّه جلالیان، تهران انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ه. ش.

۸. تاریخ عمومی حدیث، دکتر مجید معارف، انتشارات کویر، ۱۳۷۷ ه. ش.

ص: ۵۹

۹. تاریخ الامم والملوک معروف به تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۴۰۲ ه. ق.

۱۰. تذکرةالحفاظ، شمس‌الدین ذهبی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۴ ه. ق.

۱۱. تفسیر صافی، محمد بن محسن معروف به فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۲ ه. ق.

۱۲. تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه.

۱۳. تفسیر مجمع‌البیان لعلوم القرآن، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۴. تفسیر نورالثقلین، عبد علی حویزی، قم، مطبعهٔ علمیه، ۱۳۸۳ ه. ق.

۱۵. تفسیرالبرهان، سید هاشم بحرانی، تهران موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ه. ق.

۱۶. تفسیرالقرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۴۰۹ ه. ق ..

۱۷. التفسیر والمفسرون، محمد حسین ذهبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی

۱۸. الجامع الصحیح لسنن الترمذی، ابو عیسی ترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیه

۱۹. السیرهٔ النبویه معروف به سیره ابن هشام، محمد بن

ص: ۶۰

هشام، بیروت، دارالقلم

۲۰. سنن ابوداود، سلیمان بن اشعث، بیروت، داراحیاء التراث العربی

۲۱. سنن دارمی، عبداللّٰه بن عبدالرحمن، نشر استامبول، ۱۴۰۱ ه. ق ..

۲۲. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، بیروت، داراحیاءالکتب العربیه، ۱۳۷۸ ه. ش.

۲۳. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ه. ق.

۲۴. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه، بیروت، موسسهٔ الاعلمی، ۱۴۰۸ ه. ق.

۲۵. القاموس المحیط، فیروزآبادی، بیروت، دارالجیل

۲۶. القرآن الکریم و روایات المدرستین، سید مرتضی عسکری، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۷. الکافی، (اصول)، محمد بن یعقوب کلینی، به تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارلکتب الاسلامیه ۱۳۶۳ ه. ش.

۲۸. مناهل العرفان فی علوم القرآن، عبدالعظیم زرقانی، بیروت، داراحیاءالتراث العربی

۲۹. معارف اسلامی، جمعی از نویسندگان، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها، ۱۳۶۵ ه. ش.

۳۰. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن معروف به شیخ حر عاملی، تهران کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۷ ه. ش. (۱) ۹۹

۱- دکتر مجید معارف، نگرشی بر فهم تاریخی قرآن، ۱جلد، نشر مشعر - تهران.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹